

وقتی شیخ حسین انصاریان گریست

بهروز غریب‌پور از تجربه‌تولید

و اجرای «اپرای عروسکی عاشورا» گفت

بهروز غریب‌پور باوجود کار در عرصه‌های مختلف نمایشی، استاد نمایش عروسکی ایرانی است و در سال‌های مختلف هنر و توانایی خود در این زمینه را با کارگردانی اپراهای عروسکی مولوی، حافظ، سعدی و لیلی و مجنون نشان داد. اما یکی از مهم‌ترین نمایش‌های او در این فضا، اپرای عروسکی عاشوراست که بیش از یک دهه هر سال در محرم و صفر روی صحنه می‌رفت، اما امسال به دلیل شیوع کرونا این اتفاق نیفتاد. این هنرمند به‌تازگی در گفت و گو با مهر از تجربه‌تولید و اجرای چند ساله این اپرا گفت. بخش‌های جذاب‌تر این مصاحبه، خاطرات غریب‌پور از این اجراهاست.

غریب‌پور گفت: ما آخرین بار اپرای عروسکی عاشورا را در شهر بابل اجرا کردیم. برای **من** این سفر و اجرا، خاطرات فوق‌العاده‌ای به همراه داشت که دقیقاً پیش از شیوع ویروس کرونا بود. مشکلات فنی زیاد داشتیم و یک هفته زودتر از گروه به بابل رفته بودم تا عرض و طول صحنه را تغییر دهم چون قول داده بودم اپرای عروسکی «عاشورا» را در آن شهر اجرا کنم که کار دشواری بود. اداره کل ارشاد و مسؤوّلان دانشگاه بابل خیلی در فراهم کردن شرایط برای اجرای اپرای عاشورا کمک کردند.

خوشبختانه واکنش‌های مخاطبان بسیار جذاب بود. امام جمعه عباس‌آباد که یکی از تماشاگران نمایش بود، آنقدر تحت تأثیر اجرا قرار گرفته بود که بعد از پایان به پشت صحنه آمد و عروسک را به دست گرفت و شروع به بازی دادن آن کرد. یکی از وظایف من توسعه دادن عرصه کار نمایشی است، طبیعی است که اجرا در بابل یکی از خوشایندترین سفر و اجراهای اپرای عروسکی عاشورا بود که طی سال‌های اخیر انجام داده بودم؛ زیرا برخی افرادی که با دید منفی به جهان نمایش نگاه داشتند با دید مثبت اپرای عاشورا را دیدند. یکی دیگر از خاطرات موقعی بود که صدور مجوز نمایش منوط به رضایت شیخ حسین انصاریان بود. غریب‌پور دراین خصوص گفت: من هنوز در مرحله تمرین بودم و کار به سرانجامی نرسیده بود که میزانشن‌ها مشخص شده باشند. ما باید موسیقی و برخی صحنه‌های کار به ایشان نشان می‌دادیم.

شیخ حسین انصاریان پیش از اجرا با محبت

با من برخورد کردند، ولی وقتی سالن تاریک

شد احساس کردم کمی نگران است که

چه اتفاقی قرار است روی صحنه با موضوع

عاشورا رخ دهد. یک ریج از اجرا که گذشت

دیدم ایشان عمامه‌شان را روی صندلی

جلوی خود گذاشتند و گریه کردند. کار که

تمام شد با آن لحن خاص‌شان گفتند:

«استاد غریب‌پور! شما من آخوند را به

گریه انداختید.» من به ایشان گفتم یک

هنرمند تأثیر باید به همه جوانب توجه کند؛

بنابراین از زمانی که قلم روی کاغذ گذاشتم

با اراده‌ای کار کردم که شما و مخاطبان را

تحت تأثیر قرار دهم.



خیابانی به نام استاد شجریان

رئیس شورای شهر تهران، از نامگذاری خیابانی به نام استاد شجریان خبر داد و گفت مکاتبات لازم برای این کار انجام شده و به‌زودی این نامگذاری توسط شهرداری اجرا خواهد شد. محسن هاشمی به این خبر اضافه کرده که شجریان، قاری قرآنی برجسته، خوشنویسی با استعداد، نقاشی خوش ذوق، ساز سازی مبدع بود و آثار ماندگارش در صدا، برای نسل‌ها میراث ملی ایرانیان خواهد بود. / مهر

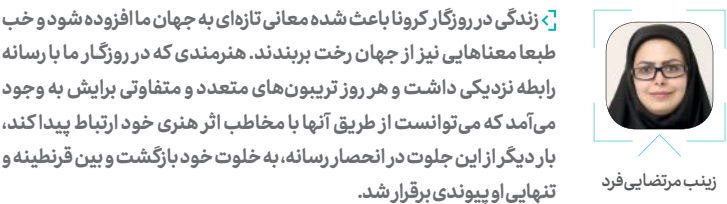


«یلدا»، برنده پرتقال طلایی آنتالیا

پنجاه و هفتمین جشنواره بین‌المللی پرتقال طلایی آنتالیا در ترکیه، جایزه بهترین کارگردانی بخش مسابقه جهانی را به مسعود بخشی برای کارگردانی فیلم «یلدا» اعطا کرد. این فیلم سومین ساخته مسعود بخشی، تنها نماینده سینمای ایران در بخش رقابت بین‌الملل این جشنواره و فیلم افتتاحیه این رویداد سینمایی بود که در کنار برگزیده‌های دو جشنواره کن و ونیز روی پرده رفت. نیکی کریمی، بازیگر و فیلمساز ایرانی نیز یکی از داوران این دوره از جشنواره بود. / ایسنا

گفت وگو با یوسفعلی میرشکاک درباره کرونا ومعناهایی که از هستی ماکم کردو به آن افزود

کرونا هم اندوهمان نکرد



زینب مرتضایی فرد

دیر فرهنگ و هنر

زندگی در روزگار کرونا باعث شده معانی تازه‌ای به جهان ما افزوده شود و خب طبعاً معناهایی نیز از جهان رخت برپندند. هنرمندی که در روزگار ما با رسانه رابطه نزدیکی داشت و هر روز تریبون‌های متعدد و متفاوتی برایش به وجود می‌آمد که می‌توانست از طریق آنها با مخاطب اثر هنری خود ارتباط پیدا کند، بار دیگر از این جلوت در انحصار رسانه، به خلوت خود بازگشت و بین قرنطینه و تنهایی او پیوندی برقرار شد.

در این میان، شاعران که ابزار آنها برای خلق «کلمه» است و نسبت روشن‌تر و

✎ عالمگیری ویروس کرونا، چه معناهایی به هستی امروز ما افزوده و چه معناهایی را اگر نگوییم مختل، اما معطل کرده‌است؟

چه معنایی می‌تواند به هستی فردی بدهد که حیات اخروی را از یاد برده و چهارچنگولی به زندگی فانی دنیوی چسبیده است؟ و مگر قرار است این قبیل بیماری‌ها معنایی به هستی بدهند؟ اما آنچه را مختل کرده اعتماد و مودت است و بی‌حرمتی به مردگان. شنیده‌ام که خیلی‌ها از نزدیک شدن به اموات خود پرهیز می‌کنند. بی‌رحمی و پرستش دنیا نیز دامن زده است. بسیاریند کسانی که موقعیت کنونی را برای چپاول بی‌خبران و غارت وحشت‌زدگان مغتقم می‌شمارند.

در سبست شعری ما، شاعر رنجور است. بار اندوه می‌کشد و در این موقعیت، اغلب مردم را شاد و خندان (خی‌خبر ولی خوش)، «نشسته بر ساحل» امن می‌بیند. حالا آیا کرونا همه را هم‌اندوه و تنها کرده، شاعر از این همگونی خوشحال است یا همچنان تنهایی خود را از جنس دیگری می‌بیند؟

تعمیم شعر «آی آدم‌های» نیما به سراسر تاریخ شعر فارسی از منظر بنده بی‌وجه است. فردوسی، سنایی، عطار، ناصرخسرو، خیام، مولوی، سعدی و حافظ رنجور نیستند و بار اندوه نمی‌کشند، اما مسعود سعدسلمان

بر زمین همین تنهایی است. حق سبحانه و تعالی تنها بود و آدمی را آفرید که او را بشناسد (کنک کنزا مخفیا... الخ)، زیرا شناسایی و معرفت تنها چیزی است که تنهایی را می‌زداید. سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد؟ ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود این‌که به نظر می‌رسد شاعر و هنرمند در روزگار ما تنهاس‌ت به این علت است که صورت غالب انسان‌ها از معنا و دردمندی و تفکر و عشق تهی شده و از مدار انسانیت بیرون افتاده‌اند و شاعر و هنرمند احساس بی‌هم‌زمانی می‌کنند.

✎ قرنطینه، مفهومی شهری و اجتماعی است و تنهایی شاعر، مفهومی هستی‌شناختی. با بروز وضع تازه در جهان، این دو حالا خلط شده‌اند؟
قرنطینه چرا باید با تنهایی شاعران خلط شده باشد و اصلاً چه مناسبتی میان قرنطینه و شعر هست؟ شاید گمان می‌کنید قرنطینه همه انسان‌ها را به تنهایی سوق داده است؟ حتی اگر چنین باشد، تفاوت میان این دو تنهایی به قدری زیاد است که هیچ مشابهتی پیدانمی‌کنند. تنهایی شاعر و هنرمند ذاتی است و حتی در میان جمع داوم دارد. حال آن‌که تنهایی ناشی از قرنطینه غرضی است. شاعر حتی اگر بنالد که: دل زتنهایی به جان آمد خدایا همدمی حاضر نیست به جای همدم و هم‌زمان، «ازحام نفوس» را بپذیرد. او به دنبال کسی از جنس

خودش می‌گردد، حال آن‌که فرد منتشر گرفتار قرنطینه، پیش از این در تلاطم ازدحام نفوس غرق بوده است و اگر نجات پیدا کند با هم خود را به این تلاطم خواهد سپرد. **✎ این روزها با برخی تصاویر آخرازمانی و هم‌شکلی جمعی در جهان مواجه هستیم؛ صورتهایی همه در پوشش ماسک، جنازه‌هایی در خلوت تشییع‌کنندگان خویش و... شما در یکی از کتاب‌هایتان از ویژگی‌های انسان در آخرازمان نوشته‌اید. از آن ویژگی‌ها، الان مجیز به کدام‌ها هستیم؟**

کلا کرونا در منظر من یکی از «اشرارالساعة» و لاجرم «یکی از علائم آخرازمان است» همچون دیگر بیماری‌های فراگیر بی‌سابقه و غیرقابل علاج، جنگ‌ها، آشوب‌ها و شورش‌های بی‌نتیجه و حمله کشورها به یکدیگر و سست عهد و ستمگری، دزدی، قتل، تجاوز، گرانی، قحطی، خشکسالی، کم‌آبی و بالا گرفتن ظلم و جور و شیوع دروغ و کُتر طبیعی و ددمنشی که در سراسر جهان رو به فزونی می‌رود. انسان به معنای الهی و ذاتی کلمه در چنین وضعی غریب و مهجور است و جز حضرت حق پناهی ندارد:

ای دل بیا که به پناه خدا رویم
زانج آستین کوته و دست دراز کرد
نمی‌دانم ما به چه چیزی مهیز هستیم، اما می‌دانم انسان موحد به توحید و معاد مهیز

عدد دوم

استقبال از نمایشنامه‌نویسی اقتباسی چهارراه

ایوب آقاخانی، مدیر دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری اعلام کرده بعد از پایان مهلت ارسال آثار به مسابقه سراسری نمایشنامه‌نویسی اقتباسی «چهارراه» ۱۸۰ اثر از ۱۹ استان به این جشنواره رسیده است. با توجه به این‌که «چهارراه» نخستین مسابقه با مبنای اقتباس در ادبیات کهن (شاهنامه، مثنوی معنوی، جوامع‌الحکایات و گلستان) است، این استقبال قابل اعتناست. / برنا

عدا اول

بازآفرینی پوستر حافظ

بهراد شیشه‌گران، هنرمند نقاش و طراح گرافیست به مناسبت روز حافظ، پوستری که سال ۵۸ به همین مناسبت خلق کرده بود را با تغییرات جدیدی، بعد از گذشت ۴۰ سال منتشر کرده است. شیشه‌گران در این پوستر، تصویری از یک آرم طراحی کرده که ترکیبی از نام و مقبره حافظ است. / ایسنا

واقعه

ساخت اپرا بر اساس موسیقی هیات

ادامه از صفحه ۹

اجرای این اپرا حدود ۲ ساعت و ۴ دقیقه زمان می‌برد. خود چکناواریان درباره این اپرا می‌گوید: «از بچگی با موسیقی شیرخدا بزرگ شده و عاشق موسیقی او بودم. از سوی دیگر در خیابان منوچهری دسته‌های عزاداری امام حسین (ع) زیاد بودند و موسیقی هیات‌ها من را بسیار به وجد می‌آورد و واقعاً آن موسیقی را دوست داشتم. در کنارش موسیقی کلیسا هم در زندگی من بسیار مهم و تأثیرگذار بود به همین دلیل رستم و سهراب تلفیقی از این موسیقی هاست. جنگ پدر و پسر بر اساس زورخانه، تشییع جنازه بر اساس محرم و عاشقانه‌اش بر اساس کلیساست. فرهنگ موسیقی من بر این سه اساس است و کمتر از موسیقی سنتی ایران استفاده کرده‌ام. نکته جالبی درباره رستم و سهراب وجود داشت. در ایران به غیر از استاد خالقی همه مخالف نوشتن اپرای رستم و سهراب توسط من بودند به همین دلیل به اتریش رفتم. «کارل ارف» که جزو مطرح‌ترین موزیسین‌های

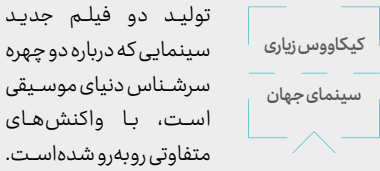
راش [سینمای جهان]

توجه سینما به دنیای موسیقی و اعتراض به این توجه

جنجال بر سر تولید ۲ فیلم جدید

شبکه نتفلیکس تهیه‌کننده این درام پرنتش عاشقانه است و آن را به صورت استریم و روی اینترنت پخش می‌کند. تهیه‌کنندگان مانسترو آن را برای پخش در اواخر تابستان سال آینده آماده می‌کنند، تا بتوانند در مراسم اسکار سال آینده حضور داشته باشد.

برعکس مانسترو، درام شرح‌حال‌گونه سفر یک هزار مایلی اعترافاتی را در چین به راه انداخته است. داستان فیلم که برگرفته از کتاب خاطرات لانگ لانگ نوازنده چیره‌دست پیانو است، درباره زندگی این هنرمند مستعد و پرطرفدار چینی است. این داستان از کودکی لانگ لانگ در شهر شنیانگ در جنوب کشور شروع شده و تا موفقیت بین‌المللی‌اش در دنیای موسیقی ادامه پیدا می‌کند. ران هاوارد امتیاز ساخت فیلم را خریداری



کیکاووس یزای

سینمای جهان